

الحاق ترکیه در اتحادیه اروپا و فرصت‌ها و چالش‌های به وجود آمده بین دو طرف

عنایت‌الله یزدانی*

رضا محموداوغلی**

دیباچه

عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به معادله‌ای چند وجهی در سیاست خارجی ترکیه تبدیل شده است، که با شروع مذاکرات در سال ۲۰۰۵ تلاش برای حل آن آغاز شده است. هرچند هنوز جوانب مختلف این معادله و متغیرهای وارده بر آن به طور واضح مشخص نیست. اما واقعیت این است که ترکیه هویت و پایگاه خود در نظام بین‌الملل را با عضویت در اتحادیه اروپا تعریف می‌کند. بنابراین مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌های

* دکتر عنایت‌الله یزدانی، استادیار روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان است. (yazden@pol.tui.ac.ir)

** رضا محموداوغلی، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه اصفهان است.

تاریخ ارائه: ۱۳۸۷/۷/۲۰ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۲/۲۵

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال پنجم، شماره ۴، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۵۵-۱۲۳.

داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در طول دهه‌های اخیر، حول مسئله عضویت، تعیین شده است. پیوستن به اروپا و غربی شدن را می‌توان ستاره قطبی سیاست خارجی ترکیه از زمان تشکیل جمهوری تاکنون دانست، ستاره‌ای که گاه کم‌سو و گاه پرسو بوده ولی هیچگاه باعث نشده‌است تا مسافری به نام ترکیه در مقصدی به نام جامعه اروپا یا اتحادیه اروپا پذیرفته شود. اکنون پس از چهار دهه روابط پرنشیب و فراز میان ترکیه و اروپا، به نظر می‌رسد این رابطه به یکی دیگر از نقاط عطف خود نزدیک شده‌است و نحوه حل و فصل آن تأثیری عمیق بر رویکرد ترکیه به جهان خارج و نیز مناطق پیرامون این کشور خواهد داشت؛ رویکردی که می‌تواند روابط با همسایگان متعدد و متنوع را نیز تحت تأثیر قرار دهد.^(۱) در سوم اکتبر ۲۰۰۵ روابط ترکیه و اتحادیه اروپا با امضای سند چهارچوب عضویت وارد مرحله جدید و سرنوشت سازی شد و دو طرف خود را آماده یک سابقه طولانی تحت عنوان مذاکرات الحاق کردند. به اذعان اکثریت قریب به اتفاق مقامات اروپایی و ترکیه‌ای، ترکیه راه درازی برای تحقق عضویت کامل در بزرگترین نهاد اروپایی پیش رو دارد. موضوع مورد اختلاف دو طرف مانع دیر پای قبرس است، چرا که مقام‌های اروپایی تأکید دارند که ترکیه باید با صدور اعلامیه‌ای جمهوری قبرس جنوبی را به رسمیت شناخته و نیروهای خود را از قبرس شمالی تخلیه کند. اما ترکیه، قبرس را خط قرمز خود به حساب می‌آورد. نهایتاً توافق گردید که ترکیه قرارداد اتحادیه گمرکی خود با اتحادیه اروپا را که از سال ۱۹۹۶ بین ترکیه و ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا به جریان افتاد با ده کشور عضو جدید نیز برقرار سازد بدین سان ترکیه با امضای این قرارداد به طور غیر رسمی بخش یونانی نشین قبرس را به رسمیت شناخت.^(۲)

کشورهای اروپایی به رغم اختلاف نظرانی که در مورد کیفیت حضور ترکیه در اتحادیه اروپا داشته و دارند در مقطع فعلی دیدگاه‌هایشان را در قالب یک سند به نام سند (چهارچوب عضویت) گردآورده و بر اجرای بند بند آن از سوی ترکیه تأکید و پافشاری می‌کنند. اروپائیان در این سند ضمن آنکه خواسته‌های خود را به طور شفاف

و صریح بیان داشته‌اند بر عدم تضمین نتیجه مذاکرات که قاعدتا می‌بایست به عضویت کامل منجر شود نیز تصریح کرده‌اند. در این سند عمده تکالیف و وظایف ترکیه برای الحاق طی سالهای آینده ترسیم و عملاً مسیر ناهموار عضویت در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.^(۳) براساس مفاد این سند ترکیه باید طی سالهای آینده ظرفیت هضم در اتحادیه را از خود نشان دهد و سیاستهایش را با کشورهای اروپایی و مواضعش را در نهادهای بین‌المللی با سیاست‌ها و مواضع اتحادیه اروپا هماهنگ کند. اصلاحات اساسی و همه‌جانبه در مسئله حقوق بشر و اعطای آزادی‌ها و نیز حل مسالمت‌آمیز مسائل مرزی با کشورهای عضو اتحادیه نیز از دیگر مفاد سند می‌باشد.^(۴) در مقابل این تکالیف اتحادیه اروپا به منظور در دست داشتن ابتکار عمل در مذاکرات خود محق دانسته که در صورت نقض اصول حقوق بشر و حاکمیت قانون در ترکیه و با درخواست یک سوم اعضا مذاکرات خود را معلق سازد.^(۵) اتحادیه اروپا اصلاحات مورد نظر خود را در ۳۵ فصل ضروری دانسته و از ترکیه درخواست کرده است که در این بخش‌ها به اقدامات اصلاحی دست بزند. نخستین گام نیز از بخش فرهنگ و آموزش شروع خواهد شد. انتخاب این بخش به نوعی تداعی‌کننده اصلاحات فرهنگی در دوران عثمانی است. اروپائیان به درستی معتقدند تا زمانی که در مسائل فرهنگی و آموزشی اصلاحات صورت نگیرد، در سایر بخش‌ها نمی‌توان نسبت به موفقیت اصلاحات انتظار زیادی داشت.^(۶) بعد از گذشت بیش از سه سال از شروع مذاکرات الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا و بروز تحولات مختلف در فرایند الحاق و همچنین فراز و نشیب‌های به وجود آمده در مناسبات ترکیه با برخی از کشورهای اروپایی، این روند در آستانه مرحله سرنوشت ساز و حساسی قرار گرفته است. اگر چه در طول دو سال گذشته دولت ترکیه به روند اصلاحات مورد نظر اتحادیه اروپا در داخل کشور سرعت و شتاب بیشتری بخشیده و در برخی موارد به منظور تحقق بخشیدن به خواسته‌های اتحادیه و جلب رضایت نسبی آنان از باورها و اعتقادات ریشه دار و سنتی خود نیز عبور کرده، اما هنوز اشتباهات سببی ناپذیر غربی‌ها برای امتیاز دهی بیشتر ترکیه، مانع از القای این

امیدواری در بین دولتمردان و مردم ترکیه شده که در آینده نزدیک بتوانند درهای اتحادیه را بر روی این کشور اسلامی باز کنند. به‌رغم آن که خوشبینانه‌ترین تحلیلها و ارزیابی‌ها حاکی از فاصله حداقل ۵ ساله تا تحقق واقعی الحاق است، اما این سوال و ابهام همچنان مطرح است که آیا روند عضویت و الحاق منتج به الحاق کامل خواهد شد یا این که عضویتی ناقص و متمایز با عضویت سایر اعضا نظیر مشارکت ویژه یا ممتاز در انتظار ترکیه خواهد بود؟

به نظر می‌رسد که سرنوشت عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا علاوه بر آن که بر تحقق شروط ذکر شده در اسناد و توافقنامه‌های امضا شده و اجرای معیارهای نظیر معیارهای کپنهاک است، منوط به اجرای برخی شروط قید نشده و ضمنی و فراتر از توافقات به عمل آمده نیز هست که به مرور زمان در دستور کار مذاکرات قرار خواهد گرفت. در گزارش کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۷ به صراحت از روند کند اصلاحات در ترکیه، وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مناطق کرد نشین جنوب شرقی این کشور، استمرار نفوذ نظامیان در حاکمیت سیاسی، عدم وجود آزادی بیان و عدم رعایت حقوق اقلیت‌ها انتقاد شده و به نوعی تلاش‌های دولت و حاکمیت ترکیه زیر سوال رفته است. اینها مواردی نیستند که اعضای اتحادیه به راحتی از آنها چشم پوشی نمایند. در این میان هرچند به اسلامی بودن ترکیه اشاره نشده، اما یقیناً هویت اسلامی این کشور و پایبندی مردم ترکیه به ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی یکی دیگر از انگیزه‌های کشورهای اروپایی در سنگ اندازی در مسیر عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به شمار می‌رود. در این پژوهش با فرض عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های به وجود آمده بین دو واحد (ترکیه و اتحادیه اروپا) پرداخته شده است.

تاثیر عضویت ترکیه روی روابط ترکیه و اتحادیه اروپا

وارد شدن ترکیه به اتحادیه اروپا چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای دو طرف ایجاد می‌کند. هر چند تدارکات ضروری برای پیوستن شاید تا دهه آینده به طول انجامد. اما

به نظر می‌رسد که با تغییر سیاست‌های ترکیه درهای اتحادیه اروپا در آینده‌ای نه چندان دور گشوده خواهد شد.

فرصت‌ها

بدون شک پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا تنها چالش بین این دو واحد ایجاد نمی‌کند و مسلماً این فرایند دارای سودها و فرصت‌های مهمی برای دو طرف است. به علاوه هزینه رد کردن درخواست ترکیه برای پیوستن به اتحادیه و نتایج آن باید بررسی شود. در این قسمت فرصت‌های الحاق ترکیه به اتحادیه را در ۵ مورد سیاست جهانی، ثبات و صلح منطقه ای، امنیت، چند فرهنگی و فرصت‌های اقتصادی بررسی خواهد شد.

۱. سیاست جهانی

منافع عضویت ترکیه برای اتحادیه اروپا به نگرش و تصور آینده اتحادیه اروپا بستگی دارد. در یک زمان وقتی اتحادیه اروپا یک مسولیت بزرگتری در سیاست جهانی برای خود فرض کند. مسلماً ورود ترکیه به طور قابل ملاحظه‌ای امکانات اتحادیه را به عنوان یک بازیگر سیاست خارجی تقویت خواهد کرد. به عقیده بعضی از تحلیل گران سیاسی ثبات و پایداری را در سیاست خارجی اروپا افزایش می‌دهد. آن همچنین باعث خواهد شد که ارزشهای اروپایی در این نواحی و ماورا آن گسترش پیدا کند. و فضای جدیدی را در روابط خارجی از اتحادیه اروپا به دست آید. عضویت ترکیه یک نیروی محرک تازه‌ای را برای برقراری روابط کشورهای عضو اتحادیه اروپا با کشورهای خاورمیانه و منطقه قفقاز خواهد داد که البته این همیشه آسان نبوده است. ترکیه به عنوان یک بازیگر سرنوشت ساز استراتژیک یک وزن قاره‌ای برای سیاست خارجی اتحادیه به وجود می‌آورد. و فرصت‌های سیاسی و اقتصادی، دیپلماسی و بالاترین هدف نظامی را برای اتحادیه اروپا به ارمغان می‌آورد.^(۷) در شرایطی که اتحادیه اروپا در پی به دست آوردن مسولیت بیشتر در سیاست جهانی است، پذیرش ترکیه در این اتحادیه، توانایی‌های این

قاره را به عنوان یک بازیگر سیاست خارجی تقویت می‌کند. ترکیه به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک خود به تلاش‌های اتحادیه اروپا در سیاست خارجی در خاورمیانه، مدیترانه و آسیای مرکزی و قفقاز ابعاد جدیدی می‌دهد. اروپا در حال حاضر به رغم کمک مالی به فلسطینی‌ها، نقش اندکی در خاورمیانه دارد. اما می‌تواند در آینده بدون به چالش کشیدن رهبری آمریکا، مثلاً در مناقشه اسرائیل و فلسطینی‌ها نقش مؤثرتری ایفا کند. ترکیه با هر دو طرف این درگیری، روابط خوبی دارد و در اسرائیل و دنیای عرب از اعتبار قابل توجهی برخوردار است. بنابر این حلقه ارتباطی خوبی میان اروپا و خاورمیانه خواهد بود. همچنین توان نظامی ترکیه و قابلیت‌های این کشور برای ایجاد پایگاه نظامی، به نفع سیاست دفاعی و امنیتی اروپاست.^(۸) شرکت نکردن ترکیه در جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ این امیدواری را در میان فرانسه و آلمان ایجاد کرده که در صورت تکرار موارد مشابه می‌توانند از ترکیه برای تضعیف نسبی قدرت چانه زنی آمریکا استفاده کنند. در آینده مشارکت ترکیه در مدیریت بحران، مقابله با جرایم سازمان یافته، مبارزه با مواد مخدر، حفاظت از مرزها، بهداشت عمومی، حفاظت از محیط زیست و تروریسم بین‌المللی اهمیت حیاتی خواهد داشت. این همکاری‌ها به نوبه خود سیستم‌های اطلاعاتی و نظامی ترکیه را متحول خواهد کرد.^(۹)

اتحادیه اروپا به عنوان یک مجموعه جغرافیایی فاقد توانایی‌های داخلی و حمایت افکار عمومی برای به عهده گرفتن نقش جهانی مستقل است. امنیت اروپا هنگامی امکانپذیر است که اتحادیه قادر به نمایش قدرت در سطح جهان باشد و این توجه به واقعیات حاکم امکانپذیر به نظر نمی‌رسد. با توجه به این واقعیات است که اتحادیه اروپا نیازمند ناتو برای ایفای نقش جهانی و آمریکا نیازمند نقش وسیع تر اروپا در قالب تلاش برای کسب هویت امنیتی است. تئودگی امنیتی دوسوی آتلانتیک آن چنان گسترده است که می‌بایست هویت آتلانتیکی را در کنار هویت اروپایی، ضرورتی قابل پیش بینی تصور کرد.^(۱۰) نگاه اروپا به تحولات جهان بیشتر نگاه اقتصادی است تا سیاسی. از نظر اتحادیه اروپا پایان جنگ سرد تهدیدها را از مرز این قاره به سمت

مناطق دیگر سوق داده و در نتیجه اروپا با تهدیدهای مستقیم امنیتی مثل دوران جنگ سرد مواجه نیست. از همین‌رو، ترکیه در بهترین حالت می‌تواند مانع گسترش ناامنی از خاورمیانه به اروپا شود، که در وضعیت کنونی جزو اولویتهای درجه یک اتحادیه اروپا نیست؛ زیرا این اتحادیه می‌کوشد وظایف نظامی و امنیتی خاورمیانه را به عهده آمریکا بگذارد. از طرف دیگر، روابط آمریکا و اتحادیه اروپا - برخلاف روابط آمریکا با تک‌تک کشورهای اروپایی و نیز ترکیه - یک رابطه مبتنی بر اقتصاد سیاسی است.^(۱۱) تلاش کشورهای اروپایی در بطن ناتو به منظور ایجاد و قوام سیاست دفاعی و امنیتی مشترک اروپایی (ESDP)^۱ حکایت بر این تلاش دارد. هر چند که حوادث در بالکان در اوایل دهه ۹۰ تنها نمایانگر عدم توانایی اروپا برای حرکت در راستای یک سیاست امنیتی یکپارچه بود. اما تلاش رهبران اروپایی در جهت شکل دادن به یک سیاست دفاعی و امنیتی که بیشتر رنگ اروپایی و کمتر رنگ آتلانتیکی داشته باشد، خط مشی چند دهه گذشته بوده است. از نظر رهبرانی که نگاه امنیتی اروپایی را ترویج کرده اند (نیروی دفاعی اروپایی به نفع همه است) - مسئولیت آمریکا در اروپا را کاهش می‌دهد، اروپا را یک متحد تواناتر می‌سازد و این امکان را برای اروپایی‌ها فراهم می‌سازد تا با مشکلات امنیتی روبرو شوند هر زمانی هر وقت که آمریکا نمی‌خواهد و یا نمی‌تواند درگیر شود.^(۱۲) ماهیت اتحادیه دگرگون شده است و از این‌رو بیشتر به یک مفهوم استراتژیک جدید است که یکپارچه شدن اروپا را مورد توجه قرار می‌دهد.^(۱۳) از این جهت ضروری است که کانال‌های ارتباطی بین EU و NATO به وجود آید و تقویت شود تا رقابت برای تامین نیازهای دفاعی و امنیتی اروپا به وجود نیاید.

۲. ثبات و صلح منطقه‌ای

کشورهای اروپایی معتقدند تهدیدات اصلی نسبت به سرزمین اروپا بیش از آنکه داخلی باشد، خارجی بوده و در حاشیه‌های آن قرار دارد. این حاشیه به تدریج با افزایش

کشورهای عضو اتحادیه گسترده تر می‌شود. با عضویت قبرس در اتحادیه اروپا، امنیت این کشور به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم اروپا به حساب می‌آید. ترکیه نیز چنین وضعیتی دارد. از نظر اروپائیان پذیرفته شدن عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، امنیت خاورمیانه و خلیج فارس با امنیت این اتحادیه پیوند خواهد خورد. در این بین امنیت راه‌های انتقال نفت و انرژی از اهمیت حیاتی برای کشورهای عضو برخوردار است.^(۱۴)

موقعیت و جایگاه ترکیه به خاطر حالت جغرافیایی ارواسیایی بودن می‌تواند یک هم پیمان استراتژیکی کلیدی برای اروپا به حساب آید. گره‌های تاریخی بسته شده و تجربیات اخیر در شرق مدیترانه، بالکان، قفقاز، آسیای مرکزی و خاورمیانه می‌تواند به موقعیت استراتژیک ترکیه برای شکل دهی سیاست‌های اتحادیه اروپا به سوی مناطق با حساسیت بالا متمر ثمر باشد و کشورهای عضو می‌توانند تاثیرات و فرصت‌هایی را که قبلاً از انجام آن ناتوان بودند را به دست آورند.^(۱۵) بدین ترتیب ترکها پی برده‌اند که کشورشان همزمان، اروپایی آسیایی و بالکانی قفقازی_خاورمیانه‌ای و جزو کشورهای حوزه دریای سیاه_حوزه دریای مدیترانه و از کشورهای جهان ترک و جهان اسلام است. با در نظر گرفتن این ویژگی‌های مثبت، اگر ترکیه منطقی اقدام کند به قدرتی منطقه‌ای تبدیل می‌شود. در غیر این صورت این ویژگی‌های مثبت، منفی می‌شود و سرانجام آن، تعمیق بحران هویت و وابستگی گرفته تا مسخ و نابودی این هویت است.^(۱۶) برای مثال روسیه بعد از اتحادیه اروپا، طی سالهای اخیر بزرگترین شریک تجاری ترکیه بوده است و افکاری که درباره گره‌های زبان شناختی و فرهنگی با پنج جمهوری ترک زبان آسیای مرکزی دارد توان چانه زنی ترکیه در این منطقه را بالا برده است. ترکیه می‌تواند در آینده‌ای نه چندان نزدیک به کشور اول منطقه تبدیل شود.

خاورمیانه چه به دلایل تاریخی و چه به واسطه تاثیراتی که بر روی امنیت اروپا می‌گذارد، یک منطقه با منافع ویژه برای اتحادیه تلقی می‌شود. ترکیه تلاش کرده است که خود را به اسرائیل نزدیک کند و رابطه خاصی با اسرائیل به طور بنیادی داشته باشد. ترکیه تنها کشوری است که توانسته اعتماد هر دو طرف اسرائیلی و فلسطینی را در

کشمکش خاورمیانه جلب کند. جنگ اخیر در عراق و وضعیت موازنه دهنده ترکیه در توسعه این منطقه یک دلیل روشنی است بر این که ترکیه اهمیت استراتژیکی بالایی برای اتحادیه دارد.^(۱۷) علاوه بر این اروپا در حال حاضر به به رغم کمک مالی به فلسطینی ها، نقش اندکی در خاورمیانه دارد. اما می‌تواند در آینده بدون به چالش کشیدن رهبری آمریکا مثلا در مناقشه اسرائیل و فلسطینی‌ها نقش موثری ایفا کند. ترکیه که می‌کوشد تا با هر دو طرف این درگیری، روابط خوبی داشته باشد تلاش دارد تا به عنوان حلقه ارتباطی بین میان اروپا و اعراب ایفای نقش کند. ترکیه با پیوستن به اتحادیه اروپا، می‌تواند نقش مهمی را در جلوگیری از جدایی فرهنگی و سیاسی غرب و خاورمیانه و جهان اسلام ایفا نماید و در راه تحقق صلح پایدار و امنیت اروپا گام بردارد.^(۱۸) ترکیه بیشترین تجربه را در رفع بحران‌های منطقه‌ای همچون عملیات صلح‌جویی در بوسنی هرزگووین، کوزوو، آلبانی، خاورمیانه و قفقاز داشته است و از به وجود آمدن کشمکش در این مناطق جلوگیری کرده است. این کشور فرماندهی نیروهای ISAF^۱ را در افغانستان بعد از انگلستان بر عهده گرفت و با موفقیت این وظیفه مشکل را هدایت کرده است. با ورود ترکیه در اتحادیه، کشورهای عضو اتحادیه می‌توانند نقش پایدارتری را در این منطقه بازی کند و به اتحادیه کمک خواهد کرد که قدرت نرم افزارانه به عنوان یک سیاست اصلی در کنار قدرت سخت افزارانه در اختیار گیرند.^(۱۹) از طرف دیگر، عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا عوامل ژئوپلیتیک اروپا را دستخوش تغییر خواهد کرد، چون کشورهای سوریه، عراق و جمهوری اسلامی ایران همسایه مستقیم اتحادیه اروپا خواهند شد.

فراهم آوردن امکان پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا اعتبار سیاست اروپا را در قبال کشورهای مسلمان نیز افزایش خواهد داد. در شرایطی که اتحادیه اروپا در پی به دست آوردن مسولیت بیشتر در وین است. پذیرش ترکیه در این اتحادیه، توانایی‌های این قاره را به عنوان یک بازیگر سیاست خارجی تقویت خواهد کرد. آنکارا به دلیل موقعیت

1. International Security Assistance Force

استراتژیکی خود به تلاش‌های اتحادیه اروپا در سیاست خارجی در خاورمیانه، مدیترانه و آسیای مرکزی و قفقاز ابعاد جدیدی می‌دهد. موقعیت خاص ترکیه باعث شده است که این کشور از موقعیت استراتژیک هم برخوردار شود. این کشور همانند پلی دو منطقه مهم و استراتژیک بالکان و خاورمیانه را به هم متصل می‌کند. ترکیه موقعیت بی‌همتایی دارد که به آن اجازه می‌دهد به عنوان رابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین مناطق مجاور آن و به طور کل غرب عمل کند.^(۲۰) همه کشورهای اروپایی به نوعی نگران گسترش ناامنی در بالکان هستند. در ۱۹۹۱ وقتی منازعات بوسنی و کرواسی آغاز شد، این باور رایج بود که نوبت اروپا رسیده است. اما حتی اروپا در منازعات بالکان نیز بدون کمک آمریکا قادر به مدیریت بحران نبود.^(۲۱) در مورد خاورمیانه، پیش‌بینی خیلی مشکل است، چرا که وقایع اتفاق افتاده بسیار متفاوت از برآوردهای انجام شده است. تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی، شناسایی انگیزه‌های امنیتی بازیگران دولتی و غیر دولتی، ناتوانایی در کسب به موقع اطلاعات جاسوسی از جمله دلایلی هستند که محیط امنیتی خاورمیانه را پیچیده می‌کند. بحران عراق، اصلاحات در عربستان، روند صلح اعراب - اسرائیل، اصلاحات در مصر و الجزایر و توانایی سلاح‌های کشتار جمعی منطقه از مهم‌ترین مشکلات پیش روی اروپا در منطقه خاورمیانه می‌باشند.

۳. امنیت

در ابتدا به این نکته باید توجه داشت که رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به مساله امنیت رویکردی جامع و فراتر از بحث امنیت صرف است. ورود بحث افراطی گری و سلاح‌های کشتار جمعی، زمینه را برای گسترده شدن اقدام‌های این اتحادیه فراهم ساخته است. در این حالت، هر اقدامی که از نظر این اتحادیه به عنوان خطری برای صلح و امنیت بین‌المللی شناسایی شود، می‌تواند مشمول اقدام‌های مندرج در بخش ابزارهای مقابله قرار گیرد. از نظر اروپائیان، تروریسم بین‌المللی خطر عیان، آشکار و فوری نسبت به امنیت اروپا است. در سند شورای اروپا مورخ ۲۴ نوامبر ۲۰۰۵ تحت

عنوان (استراتژی اروپا برای مقابله با افراطی‌گری و تروریسم) ضمن آنکه از تروریسم به عنوان خطری نسبت به تمامی جامعه بشری یاد شده، اتحادیه اروپا و تمامی شهروندان این اتحادیه را در معرض تهدیدهای تروریستی دانسته و خواستار اتخاذ یک سیاست جامع برای مقابله با تروریسم تاکید شده است.^(۲۲) ترکیه به عنوان کشوری با موقعیت بالا در منطقه می‌تواند نگرانی‌های کشورهای اروپایی را در مورد تهدیدهای تروریستی کاهش دهد. برای شکل‌گیری سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی (ESDP)،^۱ توانایی‌های شایان نظامی ترکیه و پتانسیل‌های این کشور با عنوان یک مبنای بالقوه پیشرفت می‌تواند خیلی مهم باشد. ترکیه به عنوان یک عضو کامل از اتحادیه به طور معنی‌داری توانایی‌های عملیاتی ESDP را بالا خواهد برد. مجاورت‌های جغرافیایی، گره‌های فرهنگی و تاریخی ترکیه با کشورهای بالکان و خاورمیانه و قفقاز این امکان را فراهم خواهد آورد که با مشارکت در جلوگیری از کشمکش‌های احتمالی در این مناطق، با تهدیداتی که ثبات و امنیت اروپا را تهدید می‌کند مقابله کند. ترکیه به عنوان کشور عضو ناتو برای اتحادیه و ESDP این امکان را فراهم خواهد آورد که وحدت اتحادیه‌های فراتلانتیک را تقویت کند. تجربه نبرد گروه‌های تروریستی پ.ک.ک می‌تواند ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دفاعی ESDP را افزایش دهد و در عین حال تعهدات ایالات متحده آمریکا را برای اروپا کاهش دهد و به عنوان یک متحد قابل اطمینان ناتو می‌تواند در زمینه‌های سیاسی و امنیتی مشترک بین دو طرف همپوشانی ایجاد نماید.^(۲۳)

یک اتحاد اروپایی شامل ترکیه می‌تواند در موضوعاتی همچون رژیم‌های غیر دموکراتیک، تروریسم، مهاجرت‌های غیرقانونی، دادوستد مواد مخدر و غیره موثر واقع شود. طبق مفهوم استراتژیک جدید ناتو، ترکیه ۱۳ نوع از ۱۶ تا از کشمکش‌های احتمالی و مناطق مستعد بحران را احاطه کرده است. البته این موارد می‌تواند تهدیدی برای اتحادیه تلقی شود و اعضای اتحادیه هیچ وقت آرزو نکنند که ترکیه به اتحادیه بپیوندد. ولی به هر حال ترکیه می‌تواند کشورهای اتحادیه را برای تامین صلح در این

مناطق مشارکت دهد.^(۲۴) بعضی مواقع بحث‌هایی در این مورد شنیده می‌شود که عضویت ترکیه در این نهاد، اروپا را به کشمکش‌های خاورمیانه‌ای خواهد کشانید. به هر حال اتحادیه در صورت پیوستن ترکیه به این نهاد مرزهای مستقیمی با کشورها مثل عراق، ایران و سوریه خواهد داشت. ترکیه با موقعیت محوری در قلب منطقه اوراسیا و به عنوان یک ستون غربی از خاورمیانه بزرگ می‌تواند به طور مسلم منافع برای فعالیت‌های اروپاییان در این مناطق داشته باشد. بنا به گفته وزیر امور خارجه سابق آلمان "جاشکا فیشر" "امنیت اروپا می‌تواند در مناطق خاورمیانه و جهان عرب در سالهای آتی تامین شود و ما موفق خواهیم شد از برخورد تمدن‌ها بین غرب و جهان اسلام که عده‌ای بعد از ۱۱ یازده سپتامبر آن را پیش بینی می‌کنند اجتناب کنیم".^(۲۵) اهمیت ترکیه به عنوان پل ارتباط بین اروپا و آسیا به علت موقعیت مهم استراتژیکی را نمی‌توان نادیده گرفت. همچنین ترکیه به عنوان تنها کشور اسلامی دموکراتیک و سکولار در منطقه می‌تواند منافع دو طرف را در مقابل کشمکش‌های بین‌المللی تروریستی تامین کند. چرا که ترکیه به عنوان یکی از تضمین‌کننده‌های ثبات در منطقه دریای سیاه، توازن دهنده روسیه در قفقاز، ناظر بر ارتباط استراتژیکی دریای سیاه در مدیترانه و رکن سیستم دفاعی جنوب شرقی ناتو است. این هم نباید نادیده گرفت که کشورهای مجاور ترکیه ۶۰ درصد گاز طبیعی و نفت مورد تقاضای اروپا را تامین می‌کنند.^(۲۶) اهمیت ترکیه در خصوص سیاست‌های دفاعی و امنیتی در موقعیت‌هایی چون ۱۱ سپتامبر و جنگ عراق قابل مشهود است. در بررسی از اهداف سیاسی جدید و نگرانیهای امنیتی اتحادیه، ترکیه به عنوان رکن اساسی می‌تواند به تامین ثبات در مناطق شرق مدیترانه، خاورمیانه و قفقاز کمک کند. نقش ترکیه به عنوان یک پل ارتباطی بین جهان اسلام و غرب قابل بررسی است.

به نظر می‌رسد حرکت اتحادیه به سوی یک سیاست امنیتی و دفاعی مشترک اروپایی که جدا از ایالات متحده و اتحادیه آتلانتیک (ناتو) باشد، در واقع یک رهیافت گلیستی است که هدف را توسعه یک هویت واحد اروپایی در حیطه نظری قرار داده

است. سیاست امنیتی خارجی مشترک اتحادیه اروپا هم عملاً در راستای همگامی با این ایده و خواست به وجود آمد تا این که اروپا با یک صدای واحد در حیطه سیاست‌های دفاعی و خارجی سخن بگوید.^(۲۷) عدم تحقق انتظارات از موضع جامعه اروپا در قبال مناقشات قومی، اختلافات مرزی، جنبشهای استقلال طلبانه و عملیات خشونت بار در سراسر دنیا و از جمله ناحیه بالکان موج این برداشت از جامعه اروپا گردید که اگرچه اروپا از لحاظ اقتصادی به یکی از قطب‌های اقتصادی جهان تبدیل شده است اما از لحاظ امنیتی به آن درجه از پیشرفت نرسیده است که بتواند برای تامین امنیت اروپا به تنهایی اقدام کند.^(۲۸) و با توجه به موفقیت‌هایش در حوزه اقتصادی، در سطح سیاسی نتوانسته کارآمد و اثر بخش باشد و در جامعه جهانی وزنه سیاسی / نظامی درخور خود را به دست آورد. به نظر می‌رسد اتحادیه اروپا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به دنبال تحکیم موقعیت خود در نظام بین‌الملل و تبدیل شدن به یک قدرت عمده بین‌المللی (و یک قطب) است. اتحادیه اروپا در پی آن است تا علاوه بر قدرت اقتصادی و مدنی بودن، به عنوان قدرتی سیاسی و نظامی هم در سطح بین‌الملل ظاهر شده و براین اساس به باز تعریف روابط منطقه‌ای و آتلانتیکی خود بپردازد. تشکیل ارتش مستقل اروپایی و تلاش جهت شکل‌گیری نیروی واکنش سریع اروپایی، از جمله اهدافی است که در راستای سیاست دفاعی مستقل اروپایی از سوی کشورهای فرانسه، آلمان، بلژیک و لوگزامبورگ مطرح و با واکنش منفی ایالات متحده مواجه شد.^(۲۹) اتحادیه اروپا در کاهش وابستگی‌های نظامی و امنیتی خود از ایالات متحده مصمم است. اروپایی که بیش از ۵۰ سال، امنیت خود را مدیون سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می‌دانند، در شرایط و مقتضیات عصر جدید به دنبال کسب نسبی و تدریجی استقلال دفاعی، نظامی و امنیتی از واشنگتن می‌باشند.

کشورهای اروپایی به خوبی درک می‌کنند که توان تشکیل سازمان امنیتی موازی ناتو (جهت تامین امنیت اروپا) را در کوتاه مدت ندارند. از سویی آنها به خوبی می‌دانند که ناتو طی بیش از ۵۰ سال حیات خود، کارکرد مطلوبی ارائه کرده است. با این وجود

ادامه حضور اروپائیان در ناتو به منزله عدم تلاش جهت اتخاذ یک سیاست مستقل دفاعی اروپایی نیست. اروپا به دنبال آن است تا با تعمیق و گسترش همکاریهای منطقه‌ای خود، همگرایی اروپایی را تقویت نموده و ضمن کاهش تدریجی وابستگی سیاسی، دفاعی و نظامی خود از آمریکا، در نظام چند قطبی آینده، به عنوان یکی از اقطاب قدرتمند در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی مطرح گردد. براین اساس اروپا در پی آن است تا در رهیافت چندجانبه گرایانه مورد نظر خود، از قدرت چانه زنی با ایالات متحده محروم نشده و بر این اساس، سیاست «رقابت توأم با همکاری»^۱ را در قبال واشنگتن اتخاذ نماید.^(۳۰) در مجموع می‌توان چنین اظهار داشت که اروپا در حال شکل دادن به هویت امنیتی تازه‌ای برای خودش در عرصه بین‌الملل می‌باشد که غایت آن خروج از موقعیت (متحد استراتژیک آمریکا) در عرصه امنیت سازی (الگوی دوران جنگ سرد) و تبدیل شدن به متحد استراتژیک آمریکا در قالب عنصر دوم از عناصر سه گانه هژمونی جهانی در کنار آمریکا و سازمان ملل متحد می‌باشد. به نظر می‌رسد، محیط امنیتی اروپا به گونه‌ای تغییر کرده که لازمه آن اعطای نقش مهمتری به ترکیه می‌باشد. تاکید بر مشکلات امنیتی در منطقه پیرامونی جنوبی اروپا، از مدیترانه گرفته تا خاورمیانه و آسیای مرکزی، در کانون این تغییر قرار دارند.

۴. چندفرهنگ‌گرایی

به نظر می‌رسد که محیط بین‌الملل صحنه برخورد تمدن‌ها باشد. اما کشمکش‌ها اجتناب ناپذیر نیست. کشمکش‌های واقعی در گذشته بین کسانی که ارزش‌های عمومی و کلی را اقتباس می‌کردند و کسانی که در مقابل این ارزشها می‌ایستادند اتفاق می‌افتاد. اما مسلمانان، مسیحیان و یهودیان هرکدام ارزش‌های کلی و همگانی را اتخاذ کردند. و به نظر می‌رسد که ارزشهای همدیگر را به طور نسبی قبول دارند. عضویت ترکیه در اتحادیه کشوری با جمعیت برجسته مسلمان می‌تواند بزرگترین پل ارتباطی بین غرب و

اسلام باشد. عضویت ترکیه می‌تواند ساختار چند فرهنگ گرایبی اتحادیه را تقویت نماید. آن می‌تواند سناریوی برخورد تمدن‌ها را رد کند و نشان دهد که اتحادیه یک اتحاد روی ارزش‌های مشترک بنا نهاده شده است. عضویت ترکیه اثبات خواهد نمود که در جامعه اتحادیه افراد با وجود تفاوت فرهنگی می‌توانند با هم زندگی نمایند و اسلام و مدرنیته می‌توانند با هم سازگاری داشته باشند و این می‌تواند جوابی باشد برای کسانی که به کشمکش بین مسلمانان و مسیحیان اعتقاد دارند. ورود ترکیه می‌تواند نشان دهد که مسیحیان و مسلمانان می‌توانند زیر یک سقف اروپایی با هم زندگی کنند.^(۳۱) عضویت ترکیه می‌تواند به این انتقاد که اتحادیه اروپا یک کلوب و باشگاه مسیحی اروپایی است پایان دهد. و پایانی بر نژادپرستی باشد. و همچنین قسمت دوم از پیش نویس معاهده قانون اساسی را تقویت کند.

عضویت ترکیه یک تاثیر مثبتی در افکار و دیدگاه جهان اسلام خواهد گذاشت و این اطمینان را در جوامع مسلمان ایجاد خواهد کرد که با تفسیر دموکراتیک از اسلام می‌توان وارد مدرنیته شد. حمایت از گرایش‌های تند رو و رادیکال از بنیادگرایی اسلامی وقتی پایان می‌پذیرد که مدلی پیشنهاد شود که در آن اسلام و مدرنیته با هم زندگی کنند. و عضویت ترکیه این فرصت فوق العاده را برای تقویت ارزش‌های جهانی اروپایی‌ها در بین جمعیت مسلمان را فراهم می‌آورد. ترکیه دموکراتیک و مدرن می‌تواند روی ۱۴ میلیون مسلمانی که امروزه در اتحادیه زندگی می‌کنند یک تاثیر مثبت داشته باشد. آن می‌تواند یک فرصت گرانبهایی برای توسعه اسلام اروپایی باشد که می‌تواند با ارزش‌های اروپایی و دموکراسی مطابقت داشته باشد.^(۳۲) هر چند در بسیاری از موارد تفاوت‌های فرهنگی مانعی برای ادغام ترکیه در اتحادیه اروپا تلقی می‌شود. البته تعریف دقیقی از فرهنگ اروپایی وجود ندارد، اما بسیاری از شهروندان اتحادیه اروپا، ترک‌ها را فاقد چنین فرهنگی می‌دانند. دست کم در دو دهه اخیر تعصبات ضد اسلامی و ضد مهاجرتی نیرومندی در اروپا وجود دارد و برخی از سیاستمداران محافظه کار مانند هلموت کهل، والرئ ژیسکار دستن، گرهارد شرودر و سارکوزی مخالف حضور ترکیه

در اتحادیه اروپا هستند. علاوه بر این سوسیال دموکرات‌های اروپایی اساساً با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا مخالفت می‌ورزند. برای مثال هلموت اشمیت اظهار داشت که مسایل مذهبی عاملی برای عدم پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپاست. حزب مردم اروپا بزرگترین گروه سیاسی در پارلمان اروپا (با ۲۳۲ کرسی از ۶۲۶ کرسی) مخالف عضویت ترکیه در اتحادیه اروپاست و از نوعی رابطه فرادستی به کشورهای مانند ترکیه و روسیه حمایت می‌کند.^(۳۳) در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی ساموئل هانتینگتون نظریه (برخورد تمدنهای) خود را مطرح کرد. هانتینگتون با مطرح کردن ۸ گسل تمدنی در سراسر جهان ادعا کرد که جدی‌ترین تهدید پس از فروپاشی شوروی سابق برخورد این گسل‌های تمدنی در جهان است. در صورت موفقیت آمیز بودن روند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، می‌توان به روشنی نشان داد که اسلام توانایی تبدیل شدن به بخشی از فرهنگ اروپا را داراست. به علاوه این امر، افسانه ستیز اجتناب ناپذیر تمدن‌ها را از بین خواهد برد.^(۳۴)

دموکراسی و آزادی، پلورالیسم و مدارا ارزش‌هایی هستند که اتحادیه بر پایه آنها شکل گرفته است. یک ترکیه دموکراتیک و متعهد به ارزش‌های اروپا می‌تواند نشانگر این باشد که منافاتی بین دین اسلام و جامعه مدرن روشنگر وجود ندارد. در آن صورت ترکیه به الگویی برای سایر کشورهای اسلامی همجوار اروپا تبدیل خواهد شد. پرواضح است که این امر بسیار به افزایش امنیت در اروپا و آلمان کمک خواهد کرد.^(۳۵) افزون بر آن عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به تحولات سیاسی داخلی در سایر کشورهای اسلامی تاثیر خواهد گذاشت، چون نشان خواهد داد که دموکراسی و تکثر گرایی، حاکمیت قانون، مدرنیته سیاسی و غیره صرفاً ویژگی‌هایی نیست که فقط کشورهای غربی از آن برخوردارند. ورود ترکیه به اتحادیه اروپا سند غیر قابل انکاری برای اثبات این مدعا خواهد بود که اروپا یک باشگاه مسیحی بسته نیست. این موضوع ماهیت اتحادیه اروپا را به عنوان جامعه‌ای با مدارا و تحمل که قدرت خود را از گوناگونی‌اش می‌گیرد و با ارزش‌های مشترکی چون آزادی، دموکراسی و حکومت قانون و احترام به

حقوق بشر منسجم مانده است، اثبات می‌کند.^(۳۶) در قرن بیست و یکم که غفلت و تعصب و پدیده‌هایی چون تروریسم بین‌المللی از ویژگی‌های آن است، یک اروپای چند قومی، چند فرهنگی و چند مذهبی که ترکیه را در درون خودش پذیرفته باشد، می‌تواند پیام محکمی به بقیه دنیا بفرستد و بگوید که جنگ تمدن‌ها سرنوشت گریز ناپذیر بشر نیست. از این رو اتحادیه اروپا می‌تواند نقش قابل توجهی در آینده روابط غرب و دنیای اسلام هم ایفا کند. رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه در دیدار خود از آلمان گفت اتحادیه اروپا یک کانون مسیحی نیست بلکه مجموعه سیاسی از ارزش‌های مشترک است. ترکیه با پیوستن به این اتحادیه نقش مهمی را در جلوگیری از جدایی فرهنگی و سیاسی ایفا و در راه تحقق صلح، پایداری و امنیت در اروپا کمک‌های موثری خواهد بود.

۵. فرصت‌های اقتصادی

علاوه بر این که نقش اتحادیه در زمینه‌های سیاسی و امنیتی تقویت خواهد شد، ترکیه می‌تواند وزن اقتصادی اروپا در جهان را افزایش دهد. این کشور با وسعت بزرگ و منابع قابل توجه و همچنین جمعیت جوان مستعد که دارد، باعث شده است که اقتصاد این کشور در طی سالهای اخیر رشد خیلی سریعی در اروپا داشته باشد. از طرف دیگر اروپا با مشکلات شدیدی در دهه‌های پیش رو مواجه بوده است. و برای اینکه رشد پویایی داشته باشد باید روند رو به کاهش جمعیتش را دوباره احیا کند. در حال حاضر جمعیت ۷۰ میلیونی و قدرت خرید آنها که انتظار می‌رود به طور پیوسته افزایش یابد، پتانسیل‌های ترکیه به عنوان یک بازار بالقوه برای کالاهای کشورهای عضو اتحادیه اهمیت ویژه‌ای دارد. اتمام ساخت خط لوله باکو_تفلیس_جهان که از حوزه دریای کاسپین نشأت می‌گیرد به عنوان یکی از منابع بزرگ جهان که سرشار از نفت و گاز طبیعی است؛ نقش ترکیه را به عنوان یک کشور ترانزیت برای عرضه انرژی پررنگ کرده است.^(۳۷) به نظر می‌رسد که اگر منطق توسعه اتحادیه اروپا اجازه ورود اعضایی

چون بلغارستان و رومانی را که از نظر سیاسی و اقتصادی چندان توسعه نیافته‌اند به اتحادیه اروپا می‌دهد، مطمئناً ترکیه نیز می‌تواند عضو این اتحادیه شود. به علاوه موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه و ارتباط نزدیکی که با دهها میلیون از جمعیت ترک زبان در کشورهای همسایه که می‌تواند به تامین دسترسی اروپاییها به منابع عظیم ثروت در آسیای مرکزی و مناطقی از سیبری کمک کند. ترکیه یک فاکتور حیاتی برای امنیت اروپا در زمینه تامین انرژی در آینده در مناطق خاورمیانه، دریای کاسپین، روسیه خواهد بود در این زمینه اهمیت ترکیه برای عرضه آب به کشورهای همسایه در خاورمیانه می‌تواند ارزش قابل توجهی داشته باشد.^(۳۸) ترکیه توانایی این را دارد که از نظر اقتصادی به وزن اروپا در در دنیا بیافزاید، اگرچه اقتصاد ترکیه با کسری و نبود توازن روبرو است اما کشور ترکیه بزرگ است و منابع و نیروی کار جوان و آموزش دیده‌ای دارد. جمعیت ۷۰ میلیونی ترکیه و دورنمای افزایش خرید آن، قابلیت‌های یک بازار خوب برای اروپا را دارد.^(۳۹)

ترکیه، بهترین، نزدیکترین و مطمئن ترین مسیری است که می‌تواند گاز صادراتی به اروپا را از خاک خود عبور دهد. ترکیه با توجه به موقعیت جغرافیایی خود در کنار مهمترین تولید کنندگان نفت دنیا و اروپا به عنوان یکی از مهمترین مصرف کنندگان انرژی بدون داشتن منبعی از گاز و نفت و تنها با تولید ۲۸/۴۰۶ میلیون تن زغال سنگ و واردات حدود ۷۵ درصد انرژی مورد نیاز خود در حال تبدیل شدن به مرکز توزیع انرژی نفتی و گازی در غرب آسیا است که منافع سرشاری از بابت ترانزیت آن به خود اختصاص خواهد داد، صرفنظر از آنکه ترکیه خود منابع انرژی را با امنیت بیشتر و احتمالاً قیمت ترجیحی برای مدت مدیدی در اختیار خواهد داشت.^(۴۰) انتقال انرژی از طریق خطوط مختلف برای امنیت مصرف کننده اهمیت ویژه دارد و کنترل این انتقال توسط ترکیه به این کشور قدرت سیاسی و چانه زنی بالایی اعطا خواهد کرد و به ناچار این کشور ارزش و موقعیت افزون تری در سیاستهای بین‌المللی پیدا می‌کند. این موقعیت به افزایش نفوذ ترکیه در اتحادیه اروپا از یک طرف و دست بالا داشتن در

ارتباط با ایران و آسیای مرکزی از طرف دیگر منجر خواهد شد. ناهمگون بودن سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا با ایران و کشیدن خط لوله غیر اقتصادی ۴ میلیارد دلاری نفتی جیهان - باکو، ایران را که می‌توانست بخش از این درآمد ترانزیت را به خود اختصاص دهد به حاشیه راند.^(۴۱) خطوط لوله طراحی شده برای انتقال نفت و گاز منطقه کاسپین به اروپا در نهایت چه از ایران بگذرند یا نه، به اجبار از ترکیه خواهند گذشت. بنا بر این ارزش جغرافیایی ترکیه به عنوان منطقه اتصال تولید و مصرف کنندگان انرژی دست نخورده باقی مانده است و ترکیه مقام بزرگی را در گذرگاه انرژی به اروپا داراست.

چالش‌ها

وقتی که در باره عضویت ترکیه در اتحادیه بحث‌هایی انجام می‌شود. فاکتورهای بالایی با چالش‌های زیادی مواجه می‌شوند. اروپایی‌ها نگران این موضوع هستند و در بخش‌های زیادی از اروپا در برابر این ایده مقاومت می‌کنند. درست است که ترکیه کشور وسیع ویژه‌ای است. ولی کشوری با اقتصاد ضعیف و فقیر است و به اندازه کافی اروپایی نیست و با کشورهای ایران، عراق، سوریه هم مرز است که هم مرز شدن این کشورها با اتحادیه اروپا از نظر اروپایی‌ها خطرناک است. از طرف دیگر دورنمای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به دلیل جمعیت بیشتر مسلمان این کشور، اروپایی‌ها را نگران می‌کند. اروپایی‌ها نگران آن هستند که فضای سنتی اجتماعی، فرهنگی یک ترکیه مسلمان بر اروپا تأثیر بگذارد. از سوی دیگر اروپایی‌ها نگران آن هستند که اسلام سیاسی در ترکیه روی کار آید. به نظر می‌رسد که این نگرانی‌ها قابل چشم پوشی باشد، وقتی به پتانسیل‌های بالقوه ترکیه برای عضویت اتحادیه اروپا نگاه می‌کنیم. همسایگی ترکیه با سه منطقه ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک دنیا؛ یعنی خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و بالکان که در دوران پس از جنگ سرد اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده‌اند، باعث شده تا وضعیت دوگانه متضادی در روابط اتحادیه اروپا و ترکیه به وجود آید. از یک طرف

پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا، مرز این اتحادیه را تا عراق، سوریه و ایران گسترش می‌دهد و این امر معضلاتی جدی برای اتحادیه اروپا به همراه دارد. از طرف دیگر، پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا و منزوی شدن آن می‌تواند منافع قدرتهای بزرگ و بخصوص آمریکا و تا حد زیادی اتحادیه اروپا را با خطرات جدی مواجه کند.^(۴۲) درعوض با شروع مذاکرات برای پیوستن به اتحادیه اروپا یک سری فرصت‌ها و شانس‌هایی برای هر دو طرف فراهم شود.

تأثیرات جمعیت ترکیه

نخستین بحث کلاسیک مخالفان عضویت ترکیه، جمعیت این کشور است. منتقدان اعتقاد دارند که جمعیت ۷۰ میلیونی ترکیه بازار کار اتحادیه اروپا را زیر فشار غیر قابل قبولی قرار می‌دهد. این تعداد جمعیت بنگاههای اتحادیه اروپا را در دست خواهند گرفت و مکانیزم تصمیم‌گیری در آنها را به طور اساسی و بنیادی تغییر خواهند داد. با این تعداد جمعیت آیا ترکیه می‌تواند به نیروی کار اتحادیه اروپا تسلط پیدا کند؟ درست است که در این صورت ترکیه بزرگترین کشور اتحادیه اروپا خواهد بود. اما به نظر می‌رسد این تعداد جمعیت ترکیه به عنوان یک مشکل بزرگ برای اتحادیه اروپا مطرح باشد. جمعیت فعلی، ۷۰ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ به ۸۲ میلیون نفر خواهد رسید. و این سطح فعلی ادامه خواهد یافت. هر چند ضریب افزایش جمعیت ترکیه به شدت در سالهای اخیر افت کرده است. میزان متوسط بچه برای هر خانوار ۲/۵ درصد بوده است و این درصد نسبت به دهه ۱۹۷۰ که ۳/۵ درصد بود پایین آمده است. درست است که نسبت رشد جمعیتی ترکیه روند کاهشی داشته است و به ۱/۴ درصد مطابق شکلی که سازمان ملل ارائه نموده است رسیده است؛ اما باز هم رقم بالایی است.^(۴۳) جمعیت اتحادیه با وارد شدن کشورهای بالکان به ۵۰۰ میلیون نفر رسیده است. یک جمعیت ۷۰ میلیونی که ۱۴ درصد از جمعیت کشورهای عضو را شامل می‌شود. وقتی که معاهده قانون اساسی جدید مورد قبول واقع شود. بر اساس عهدنامه جدید لیسبون،

آرای ۵۵ درصد از کشورهای عضو که دارای ۶۵ درصد از جمعیت اتحادیه باشند، منجر به تصویب لوایح و پیشنهادهای خواهد شد. تحلیلگران پیمان لیسبون را توافقنامه انتقالی برای ادغام تدریجی کشورهای عضو اتحادیه اروپا عنوان کرده و رسیدن به یک منشور واحد در حوزه سیاست خارجی و امنیتی را برای این کشورها در آینده نزدیک از اهداف آن دانستند.

بر اساس این پیمان، اختیارات ملی کشورها برای توی تصمیمات کلان اروپایی حذف و دو عنوان جدید رئیس شورای اروپا و وزیر خارجه اتحادیه اروپا به تشکیلات این نهاد اضافه خواهد شد.^(۴۴) این بدین معنی است که ترکیه وزن بزرگتری از دانمارک ندارد و جمعیت ترکیه اهمیت یکسانی به عنوان مثال با آلمان دارد. این یک بحث گمراه کننده است که ترکیه تاثیرات قطعی روی مکانیزم تصمیم گیری اتحادیه می گذارد. وقتی که ۸۰ درصد از تصمیم گیرها با سازش و اکثریت واجد شرایط رای دهندگان گرفته می شود. به نظر می رسد مشکلات اخیر در تصمیم گیری اتحادیه باید حل شود حتی اگر ترکیه به اتحادیه نپیوندد. در این صورت با یک سیستم منصفانه و جدید از رای گیری برای ترکیه هم آسان می شود که به اتحادیه بپیوندد. از سوی دیگر ادامه اجرای اصل توافق جمعی در حوزه های مهمی مانند سیاست مشترک امنیتی، خارجی، دفاعی و مالی، امتیاز جمعیتی را از ترکیه در روند تصمیم گیری ها می گیرد.^(۴۵) آیا ترکیه با جمعیت ۷۱ میلیونی بازار کار اتحادیه را با یک فشار غیر قابل قبول قرار خواهد داد؟ این دیدگاه بارها توسط محافل و حوزه هایی که مخالف عضویت ترکیه هستند مورد استفاده قرار می گیرد تا نگرانی ها را در این مورد افزایش دهد. البته این روش، مبنایی برای تحقیقات و مطالعات علمی نیست یک سری بحث های پوپولیستی و عوام پسندانه وجود دارد که بسیاری از ترک ها به آلمان و دیگر کشورهای عضو اتحادیه مهاجرت خواهند کرد. مطالعات کمسیون اروپا نشان داده است که مهاجرین اسپانیایی، پرتغالی و یونانی که کشورهای اصلی خودشان را ترک کرده اند حقوق جنبش های آزاد را در اروپا تحت تاثیر قرار نداده اند.^(۴۶) به هر حال شرایط اجتماعی - اقتصادی در ترکیه با این

کشورها فرق می‌کند. مخصوصاً شکاف اقتصادی بین قسمت‌های شرقی و غربی این کشور وجود دارد. به نظر می‌رسد که این بحث‌ها معقولانه باشد و در اولین دهه از عضویت کامل آن می‌توان انتظار داشت که به خاطر وجود درآمدهای پایین در قسمت‌های شرقی ترکیه، افراد زیادی از مردم به اروپا مهاجرت کنند. اما توافقاتی وجود دارد که مهاجرت‌ها را برای یک دوره ابتدایی بعد از پیوستن محدود می‌کند. مشابه آن را می‌توان در لهستان مشاهده کرد. در این دوره ابتدایی، ترکیه باید نیازهای اقتصادی و اجتماعی را به صورت ضربتی تامین کند و اتحادیه باید در برطرف کردن این موضوع باید همکاری‌های لازم را انجام دهد. هیچ کس دوست ندارد که کشور موطن خود را ترک کند وقتی که چشم اندازی از اوضاع بهتر در کشور خود شان ببینند.^(۴۷) اتاق فکر اروپایی مستقل^۱ پیش بینی می‌کنند که مابین ۲ تا ۳ میلیون نفر در صورت پیوستن ترکیه به اتحادیه در ۱۵ سال اول پیوست، کشور خود را ترک خواهند کرد. این ارقام ۰/۵ درصد از مجموع جمعیت اتحادیه در ۲۰۲۵ را تشکیل خواهد داد. اگر دسترسی به صورت آزادانه باشد این رقم به صورت فاجعه باری افزایش خواهد یافت.^(۴۸) در همسویی با موفقیت‌های ترکیه در تثبیت اقتصادشان در فرایند هماهنگ سازی با اتحادیه و افزایش استانداردهای زندگی شهروندان، به طور احتمالی می‌توان انتظار داشت که مهاجرت در آینده روند کاهشی (نزولی) را به خود خواهد گرفت. محتویات جدول زیر رشد آمار جمعیتی در ترکیه و کشورهای انتخاب شده در اتحادیه را نشان می‌دهد. که رشد جمعیت در کشورهای اروپایی روند کاهشی به خود خواهد گرفت. و با این آمار، مهاجرت نسبتاً کم از ترکیه انتظار می‌رود که نه تنها قابل تحمل باشد، آن می‌تواند تاثیر مثبت اقتصادی هم داشته باشد.

جدول پیش بینی سازمان ملل از روند جمعیتی اعضای اتحادیه تا سال ۲۰۵۰

تعداد جمعیت	تعداد جمعیت	تعداد جمعیت	تعداد جمعیت	
۲۰۵۰	۲۰۲۵	۲۰۱۵	۲۰۰۵	کشورها
۹۷	۸۸	۸۲	۷۱	ترکیه
۷۹	۸۱	۸۲	۸۲	آلمان
۶۴	۶۴	۶۲	۶۰	فرانسه
۶۶	۶۳	۶۱	۵۹	بریتانیا
۴۸	۵۲	۵۵	۵۷	ایتالیا
۳۷	۴۰	۴۱	۴۱	اسپانیا
۳۳	۳۷	۳۸	۳۸	لهستان
۱۸	۲۰	۲۱	۲۲	رومانی
۱۶	۱۷	۱۶	۱۶	هلند
۴۳۱	۴۵۴	۴۵۶	۴۵۴	۲۵ کشور اروپایی
۵۵۲	۵۷۰	۵۶۷	۵۵۵	ترکیه به عنوان ۲۸ مین عضو
۰/۱۸	۰/۱۶	۰/۱۴	۰/۱۲	نسبت جمعیت ترکیه به اتحادیه

اکثریت ترک‌هایی که در کشورهای اروپایی زندگی می‌کنند امروزه به عنوان کارگران مهمان و به عنوان یک نتیجه از توافقات دوجانبه زندگی می‌کنند. بسیاری از این کارگران و خانوادهايشان بعد از اینکه شرایط اقتصادی شان را برای زندگی در ترکیه آماده کردند به کشورشان بر می‌گردند.^(۴۹) این یک واقعیت تاریخی است که ترک‌ها به طور سنتی ترجیح می‌دهند که در کشور خودشان زندگی کنند و به جاهایی که بیگانگان در اکثریت هستند مهاجرت نکنند مگر اینکه از روی اجبار باشد. آن عقلانی نیست که انتظار داشته باشیم متوسطی از شهروندان ترک به اروپا مهاجرت می‌کنند، حتی اگر حداقل استاندارد زندگی را داشته باشند. از طرف دیگر به عنوان یکی از پیامدهای رشد جمعیت شناسی در اروپا، نیاز به کارگران ترک تبار است که همانند گذشته ممکن است یک شکاف کاری را ایجاد کند.^(۵۰)

تأثیرات فقر ترکیه

وقتی استانداردهای کشورهای عضو اتحادیه اروپا را مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که ترکیه یک کشور فقیری است و ۳۵ درصد از جمعیت این کشور به کشاورزی اشتغال دارند. به علاوه این کشور از شکاف اقتصادی بالایی برخوردار است این مسئله در شرق این کشور به وضوح دیده می‌شود. سرانه GDP^۱ در این مناطق کمتر از ۱۰ درصد درآمد مناطق ثروتمند در غرب کشور است. به هر حال آن باید برای ترکیه در اولویت باشد که شکاف اقتصادی بین مناطق را کاهش می‌دهد. به نظر می‌رسد برای تقویت اقتصاد ترکیه و بهبود موقعیت نسبی این کشور در اتحادیه اروپا باید مذاکراتی صورت بگیرد. با این وجود ترس از عضویت ترکیه می‌تواند برای اتحادیه اروپا گران تمام شود که نمی‌توان آن را توجیه کرد. محاسبات نشان می‌دهد که ترکیه بیشترین سرانه کمک اتحادیه اروپا را نسبت به ده کشور جدید عضو شده دریافت خواهد کرد.^(۵۱) ترکیه به عنوان یک کشور با جمعیت جوان و پویا که به سرعت توسعه پیدا می‌کند، می‌تواند با تطبیق زیرساختهای خود با اتحادیه اروپا بیشترین سود را از افزایش جریان سرمایه گذاری خارجیا برای خود متصور شود. با عضویت این کشور ارزش افزوده قابل توجهی نصیب این کشور خواهد شد و قدرت اقتصادی اتحادیه اروپا در امور بین‌الملل تقویت خواهد شد، چرا که تجارت یک پایه مشترک و زیر بنایی از اقتصاد اروپایی است.^(۵۲) اروپایی‌ها از نیاز خود برای ایجاد روابط مستحکم و سودمند با همسایگان مدیترانه‌ای و خاورمیانه‌ای آگاه هستند. اروپا علاوه بر مجاورت و وابستگی اش از نظر ذخائر انرژی و میل به کسب مجدد میراث خودش در خاورمیانه، به خوبی واقف است که بهترین راه برای جلوگیری از مهاجرت غیر قانونی از خاورمیانه به اروپا تشویق توسعه اقتصادی و مدرنیزاسیون در منطقه است.

چالش‌های اقتصادی

از دسامبر ۱۹۹۵ اقتصاد ترکیه عمیقاً در اقتصاد اتحادیه اروپا ادغام گردید و اتحادیه اروپا به مهمترین شریک اقتصادی ترکیه تبدیل شد. به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۰، ۵۲ درصد صادرات و ۴۹ درصد واردات ترکیه از اتحادیه اروپا بود. با این همه باید گفت که عضویت ترکیه می‌تواند فشار اقتصادی شدیدی را بر اتحادیه وارد کند. چرا که سرانه متوسط تولید ناخالص داخلی ترکیه در حدود ۲۹ درصد تولید ناخالص داخلی متوسط کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. این رقم برای اعضای جدید این اتحادیه یعنی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی نزدیک به ۵۰ درصد است. البته منصفانه نیست که ترکیه را که در آغاز راه عضویت است با کشورهایی که این ره را پیموده‌اند مقایسه کنیم. ده سال پیش از ورود لهستان به اتحادیه اروپا سرانه تولید ناخالص داخلی لهستان ۳۵ درصد متوسط اتحادیه بود. از بسیاری جهات ترکیه بیشتر از لهستان یا بلغارستان سالهای قبل، آمادگی پیوستن به اتحادیه اروپا دارد. شکافهای اقتصادی بین اتحادیه اروپا و ترکیه کاسته نشده و حتی از سال ۱۹۹۵ به بعد افزایش یافته است.^(۵۳) میزان فعالیت اقتصادی در ترکیه کمتر از ۵۰ درصد است و آمارهای رسمی میزان بیکاری را ۹ درصد نشان می‌دهد. احتمالاً آمار واقعی بیشتر از این مقدار است و در حدود ۲۵ درصد جوانان شهری تحصیل کرده بیکار هستند. تورم ترکیه در سال ۲۰۰۲ به خاطر ضعف نظام بانکی و رانت سیاسی شاهد ۴۵ درصد بود. تاریخچه طولانی بی ثباتی در اقتصاد کلان ترکیه ریشه در بحران مالی سال ۲۰۰۱ دارد. دلایل این بحران، مدیریت ضعیف مالی و نظام شکننده بانکداری این کشور است. در نتیجه این دو عامل، تولید ناخالص داخلی ترکیه ۵/۷ درصد کاهش یافت، نرخ بهره به ۴۰۰ درصد رسید و ارزش پول کاهش و بدهی‌های دولت افزایش یافت. این بحران برای اقتصاد ترکیه عقب گردی جدی بود. با این همه اقتصاد ترکیه نسبت به سالهای گذشته (خصوصاً حد فاصل بین نوامبر ۲۰۰۰ تا مارس ۲۰۰۱ که ترکیه درگیر رکود اقتصادی شدیدی بود) اندکی بهبود یافته است. در نتیجه اجرای اصلاحات با حمایت صندوق بین‌المللی پول، دوران بهبود

طی شد و طی یک سال، نرخ رشد به بیش از ۷ درصد رسید، تورم کاهش یافت و لیره ترکیه ارزش خود را به دست آورد. اما به رغم این تحولات مثبت، جریان کسری‌ها و فقدان ترازها، مدت‌ها طول می‌کشد. بدهی دولت و کسری بودجه هنوز بسیار بالا است.^(۵۴) به رغم موفقیت‌های قابل توجه در توسعه اقتصادی و نرخ رشد ۵ درصدی طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ که بیشترین نرخ توسعه در میان کشورهای OECD^۱ محسوب می‌شود، ساختار اقتصادی ترکیه در مقایسه با ساختار اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، از ضعف‌های مبرمی رنج می‌برد. در اقتصاد جهانی، ترکیه جزو کشورهای ضعیف نیمه پیرامون محسوب می‌شود؛ گرچه صنایع تولیدی کشور در پانزده سال گذشته با رشد چشم‌گیری مواجه بوده و ۲۵ درصد GDP را به خود اختصاص داده‌است، با وجود این، هنوز هم بیش از ۴۰ درصد نیروی کار این کشور در بخش کشاورزی شاغل است که تنها ۱۵ درصد از کل GDP را در اختیار دارند.

در حالی که صنایع نساجی ترکیه در بازارهای جهانی به اندازه‌ای قدرتمند ظاهر شده که کشورهای اتحادیه اروپا و آمریکا را به اجرای قانون ضد انحصار تحریک کرده است، اما اغلب صنایع دیگر از لحاظ قابلیت تولید، کار، مدیران سرمایه‌گذاری توانایی حضور در بازارهای جهانی را ندارند و به رغم آزادسازیهای تجاری و اصلاحات اقتصادی انجام گرفته از دهه ۱۹۸۰، هنوز میزان صادرات ترکیه قابل مقایسه با کشورهای آسیای شرقی نیست. همین‌طور میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی (FDI)^۲ در ترکیه هنوز محدود است.^(۵۵) هزینه مالی آماده سازی عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا برای هر دو طرف سنگین خواهد بود. کشاورزی ترکیه قابلیت رقابت با بازارهای بین‌المللی را ندارد، شرکت‌های کوچک و متوسط نمی‌توانند خود را به آسانی با مقررات اتحادیه اروپا تطبیق دهند و تفاوت‌های شدیدی بین بخش‌های مختلف ترکیه وجود دارد. علاوه بر این اتحادیه اروپا کمک چندانی برای سرعت بخشیدن به دگرگونی اقتصادی ترکیه انجام نداده است و پذیرش کشورهای اروپای شرقی و مرکزی محدودیت فراوانی را بر

1. Organisation for Economic Co-operation and Development
2. Foreign Direct Investment

توانایی مالی اتحادیه اروپا در دهه آینده تحمیل خواهد کرد.^(۵۶) ترکیه با جمعیتی تقریباً ۷۱ میلیونی _ پس از آلمان _ دومین کشور بزرگ اتحادیه اروپا (در صورت پیوستن) است. اتحادیه به راحتی قادر است شرایط عضویت کشورهای با درآمدهای نسبتاً پایین مانند لتونی را فراهم آورد. چرا که جمعیت لتونی کمی بیشتر از دو میلیون نفر است و این در مقایسه با جمعیت ۵۰۰ میلیونی کل اتحادیه رقم قابل ذکری نیست. اما ورود کشوری با ۷۱ میلیون نفر جمعیت، مقیاسی به کلی دیگر است. مسئله این است که اندازه این جمعیت را باید در بافت اجتماعی ترکیه بررسی کرد. ساکنان این کشور ۷۱ میلیونی تنها قادرند سالانه حدود ۱۷۶ میلیارد دلار برای کشور خود درآمدزایی کنند، در حالی که دانمارک کوچک _ با جمعیتی ۴/۵ میلیونی _ ۱۸۲ میلیارد دلار درآمد سالانه دارد.^(۵۷) رکود، عدم اشتغال و بی‌ثباتی از معضلاتی هستند که پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا را دچار مشکل می‌سازد در حالی که این کشور هنوز آمادگی‌های لازم را کسب نکرده و به لحاظ زمانی هم خود را با شرایط باشگاه تطبیق نداده است. اینها خطراتی است که بر بالای سر ترکیه و نیز اتحادیه وجود دارد. اما هیچ کدام از مباحث پیش گفته بدان معنا نیست که در بررسی مسئله عضویت ترکیه تنها باید اقتصاد آن کشور را لحاظ کرد.

آنچه حائز اهمیت است این است که اتحادیه اروپا پیش از هرگونه تصمیم‌گیری در این مورد، موظف است تمامی برنامه‌های اقتصادی ترکیه را با دقت کنترل نماید و بداند که ترکیه برای پیوستن به اتحادیه به زمانی ده تا بیست ساله و کمک‌هایی مداوم نیازمند است. با بررسی تاریخ اخیر اقتصاد ترکیه، ضرورت این کنترل‌ها و حساسیت‌ها بیشتر نمایان می‌شود.^(۵۸) جدول آتی میزان تورم در ترکیه در مقایسه با کشورهای اتحادیه اروپا را نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که تفاوت‌های زیادی بین اقتصاد ترکیه و کشورهای عضو اتحادیه وجود دارد. که به آسانی نمی‌توان بر آنها سرپوش گذاشت. در حالی که این شاخص‌ها نشان دهنده عقب ماندگی اقتصادی ترکیه و دور ماندن از سایر اعضای باشگاه اروپایی اتحادیه هستند مشکل اصلی باز هم بیش از اینهاست: ترکیه نه تنها در مقایسه با سایر اعضای اتحادیه اروپا کشوری فقیر است، بلکه بزرگ نیز هست.

جدول میزان تورم در ترکیه در مقایسه با کشورهای اتحادیه

کشورها	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
۲۵ کشور عضو اتحادیه	۲.۴	۲.۵	۲.۱	۱.۹	۲.۱	۲.۲
۱۵ کشور عضو اتحادیه	۱.۹	۲.۲	۲.۱	۲.۰	۲.۰	۲.۱
ترکیه	۵۴.۹	۵۴.۴	۴۵.۰	۲۵.۳	۱۰.۶	۹.۱

منبع: برگرفته از سایت Eurostat(2005). Economy and Finance.

می‌توان گفت کشورهای اروپایی به عنوان بخشی از نظام سرمایه‌داری نمی‌توانند با ساختار کنونی اقتصاد ترکیه و نخبگان حاکم بر آن کار کنند. این ساختار به شدت متأثر از ساختار سیاسی چند لایه‌ای این کشور است که نخبگان از اصلی‌ترین طرفداران حفظ آن به شمار می‌روند. تحولات چشمگیر اقتصادی در ترکیه در برخی دوره‌های تاریخی؛ مثل دهه ۱۹۸۰ و ۲۰۰۰، معلول سرکار آمدن افراد تکنوکراتی چون تورگوت اوزال و کمال درویش بوده است که با منافع نظام سرمایه‌داری آشنایی کافی داشتند و قادر به کار کردن با آن بودند، اما دادن چنین چراغ‌سبزی‌هایی از سوی نظامیان نه یک قاعده بلکه استثناست.^(۵۹) اما باید توجه کرد که از میان تمام دولت‌های منطقه، از بالکان جنوبی گرفته تا خاورمیانه و قفقاز، ترکیه بیشترین پیشرفت را از نظر رضایت مندی در رشد دموکراسی، بهبود روابط با همسایگان، توسعه اقتصادی و ارتباط با اسلام سیاسی داشته است. ترکیه جدید صاحب استقلال اندیشه به سمتی می‌رود تا مساله کردها را حل کند و نگرش به اسلام سنتی را از نگرش کلیشه‌ای دولت سکولار طرفدار غرب جدا کند. ترکیه امروزه در جاده الگوی اصیل برای جهان اسلام و کسب محبوبیت بیشتر در میان بسیاری از مسلمانان دنیا است. منافع ملی ترکیه در حال تغییر است تا روابط منطقه‌ای و نیز روابط خود با اتحادیه اروپا را تقویت کرده و نقش مرکز محوری ایالات متحده را کمتر کند.

دستاورد

در این نوشتار سعی شد که به فرصت‌ها و چالش‌های به وجود آمده بین ترکیه و اتحادیه اروپا پرداخته شود. باید گفت که وارد شدن ترکیه به اتحادیه اروپا چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای دو طرف ایجاد می‌کند. هر چند تدارکات ضروری برای پیوستن، شاید تا دهه آینده به طول انجامد. اما به نظر می‌رسد که با تغییر سیاست‌های ترکیه درهای اتحادیه اروپا در آینده‌ای نه چندان دور گشوده خواهد شد. در یک زمان وقتی اتحادیه اروپا یک مسئولیت بزرگتری در سیاست جهانی برای خود فرض کند، مسلماً ورود ترکیه به طور قابل ملاحظه‌ای امکانات اتحادیه را به عنوان یک بازیگر سیاست خارجی تقویت خواهد کرد. به عقیده بعضی‌ها ثبات و پایداری را در سیاست خارجی اروپا افزایش می‌دهد. ترکیه با پیوستن به اتحادیه اروپا، می‌تواند نقش مهمی را در جلوگیری از جدایی فرهنگی و سیاسی غرب و خاورمیانه و جهان اسلام ایفا نماید و در راه تحقق صلح پایدار و امنیت اروپا گام بردارد.

عضویت ترکیه اثبات خواهد نمود که در جامعه اتحادیه افراد با وجود تفاوت فرهنگی می‌توانند با هم زندگی نمایند و اسلام و مدرنیته می‌توانند با هم سازگاری داشته باشند. ترکیه می‌تواند وزن اقتصادی اروپا در جهان را افزایش دهد. این کشور با وسعت بزرگ و منابع قابل توجه و همچنین جمعیت جوان مستعد که دارد باعث شده است که اقتصاد این کشور در طی سالهای اخیر رشد خیلی سریعی در اروپا داشته باشد. ترکیه با کشورهای ایران، عراق و سوریه هم مرز است که هم مرز شدن این کشورها با اتحادیه اروپا از نظر اروپایی‌ها چالش‌هایی را برای آنها مواجه می‌کند. از طرف دیگر دورنمای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به دلیل جمعیت بیشتر مسلمان این کشور، اروپایی‌ها را نگران می‌کند. اروپایی‌ها نگران آن هستند که فضای سنتی اجتماعی، فرهنگی یک ترکیه مسلمان بر اروپا تأثیر بگذارد. ولی با این همه باید گفت که کشورهای اروپایی به رغم اختلاف نظراتی که در مورد کیفیت حضور ترکیه در اتحادیه اروپا داشته و دارند در مقطع فعلی ناچار باشند که کشور ترکیه را به عنوان یک عضو اتحادیه قبول کنند. ❖

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- رحمن قهرمانپور، «ترکیه و اتحادیه اروپا، معضلی دوجانبه»، کتاب اروپا (۳): ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا، تهران: شورای غیر دولتی روابط خارجی موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳، ص ۶۶.
 - ۲- مازیار آقازاده، «حرکت ترکیه به اتحادیه اروپا»، گزیده تحولات جهان. شماره ۳۱، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵.
 - ۳- جمشید رستگار، «از تهدید تا فرصت»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰. ص ۶.
 - ۴- همان.
 - ۵- آقازاده، پیشین، ص ۲۲۶.
 - ۶- رستگار، پیشین.
7. Kalin Yasin, " The Implications of the EU Admittance of Turkey on Turkish-EU Relations and Turkish-U.S. Relations", *Strategy Research Project*, U.S.Army War College, Carlisle Barracks, Carlisle. USAWC STRATEGY RESEARCH PROJECT, 2005, pp. 4-5.
- ۸- نیلوفر قدیری، " ترکیه در اروپا"، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، ۱۳۸۳، شماره ۲۸، آبان.
 - ۹- رحمن قهرمانپور، "دغدغه‌های امنیتی اروپا و گزینه‌های پیش روی ایران"، ماهنامه برداشت اول. سال سوم، شماره ۲۲- ۲۳، ص ۱۲.
 - ۱۰- حسین دهشیار، "هویت امنیتی اروپا و ناتو"، کتاب اروپا ۳، ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا (جلد دوم)، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. ۱۳۸۳، ص ۱۱۶.
 - 11- R. Guay ,Terrence, The United States and the European Union: The Political Economy of a Relationship, *Sheffield: Sheffield Academic Press*, 1999, pp 11-12.
 - ۱۲- دهشیار. پیشین، ص ۱۱۲.

- ۱۳- همان، ص ۱۲۶.
- ۱۴- کابک خبیری، "استراتژی اتحادیه اروپا در خصوص مقابله با تروریسم"، روزنامه اعتماد ملی (۰۴/۰۷/۱۳۸۷) ص ۱۱.
15. Kalin, *Ibid.* p. 5.
- ۱۶- سید جواد انصاری، ترکیه در جستجوی نقش تازه در منطقه، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۷۳، ص ۲۶۸.
17. Kalin, *Ibid.* p. 5.
- ۱۸- جعفر نظر بیگی، "پیامدهای جهانی و منطقه‌ای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا"، همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰، ص ۵.
19. Doga Ulas Eralp & Nimet Beriker, "Assessing the Conflict Resolution Potential of the EU: The Cyprus Conflict and Accession Negotiations", *Security Dialogue*, 2005, from: <http://sdi.sagepub.com/cgi/content/abstract/36/2/175>.
20. *Ibid.*
- ۲۱- قهرمانپور، پیشین، ص ۱۳.
- ۲۲- خبیری، پیشین.
- 23-Kalin, *Ibid.* p.6.
- 24- *Ibid.*
- 25- Fischer, Joska, "Europe's Security Linked to Mideast's"; p. 2, accessed from: <http://www.dw-rld.de/dw/article/0,,1310921,00.html>.
- 26- Aylin guney and Petek Karatekelioğlu, "Turkey's EU Candidacy and Civil-Military Relations: Challenges and Prospects", from: <http://afs.sagepub.com/cgi/content/abstract/31/3/439>.
- 27- Doga Ulas Eralp & Nimet Beriker, (2005), "Assessing the Conflict Resolution Potential of the EU: The Cyprus Conflict and Accession Negotiations", *Security Dialogue*. from: <http://sdi.sagepub.com/cgi/content/abstract/36/2/175>.
- ۲۸- عرفان کایا اولگر، ساختار امنیتی اتحادیه اروپا و ترکیه. ترجمه جلیل یعقوب زاده، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی. ۱۳۸۸، ص ۵.
- ۲۹- محمدرضا فاندی، "اتحادیه اروپا همگرایی آتلانتیکی تا همگرایی منطقه‌ای"، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۳، ۱۳۸۳.
۳۰. همان.

31- Hughes, Kirsty, "Turkey and the European Union: Just another Enlargement? ", accessed from: www.friendsofeurope.org/pdfs/TurkeyandtheEuropeanUnion-orkingPaperFoE.pdf.

32- Kalin. *Ibid.* p.7

۳۳. گیلز درونسورو، اتحادیه اروپا و ترکیه بین ژئوپولیتیک و مهندسی اجتماعی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.

34- Larrabee, Stephen, "Turkey Rediscovered the Middle East". from: <http://www.foreignaffairs.org/20070701faessay86408/f-stephen-larrabee/turkey-rediscovered-the-middle-east.htm>.

35- Aylin guney and Petek Karatekioglu. *Ibid.* p. 442-443

37- Christensen , Hans Skov, "Turkey Membership: Turkey on Track! Potentials and Pitfalls of Turkey's EU-membership", accessed from: <http://billed.di.dk/wimpfiles/lores/image.asp?objno=/607151.pdf>

38- *Ibid.*

۳۹. جعفر نظر بیگی، " پیامدهای جهانی و منطقه‌ای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا"، همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰، ۱۳۸۴.

۴۰. حسینی، پیشین، ص ۷.

۴۱. همان.

۴۲. قهرمانپور. پیشین، ص ۸۲.

43- Kalin. *Ibid.* p. 8

44- Hughes, Kirsty, "Turkey and the European Union: Just another Enlargement?", p. 19. accessed from: www.friendsofeurope.org/pdfs/TurkeyandtheEuropeanUnion-orkingPaperFoE.pdf

۴۵. ایرنا " تصویب پیمان لیسبون " برگرفته از:

<http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100941559206>

46- Rühle, Volker, "Turkey and Europe: Towards a Common Future".p-112. accessed from: <http://www.aicgs.org/events/2004/rueheturkeyremarks.pdf>;

47- Önis , Ziya and Suhnaz Yilmaz, "Turkey-EU-US Triangle in Perspective: Transformation or Continuity?"; accessed from: <http://home.ku.edu.tr/~zonis/ONIS-YILMAZTURKEY-EU-%20TRIANGLE.pdf>;

48- *Ibid.*

49- Rhe, Volker, "Turkey and Europe: Towards a Common Future" accessed from: <<http://www.aicgs.org/events/2004/rueheturkeyremarks.pdf>>:

50- Hughes. *op.cit.*, p. 17

51- Rhe. *op.cit.*

52- Kalin. *op.cit.*, p. 8

53- *Ibid*

54- Hughes. *op.cit.*, p. 17

55- Kalin. *op.cit.*, p. 10

۵۶. دورونسورو، پيشين، ص ۹

۵۷. دامز، پيشين.

۵۸. همان.

Eurostat, *Economy and Finance*. Retrieved May 7, 2006 from the World Wide Web: <http://epp.eurostat.cec.eu.int>.

۵۹. قهرمانپور. پيشين، ص ۷۷.